

عبدالاحسین - سپنتا

حس بشر دوستی و انسانیت تاجه حد مدیون شعرا و عرفای ایران است؟

بمناسبت ورود هیئت دانشمندان ایران شناس جهانی باصفهان . بیانات
عبدالاحسین سپنتا در مجلس پذیرائی ناهار ۲۵/۶/۱۶

در دنیای کنونی که حس خود خواهی و غرور خود پرستی موجب تفرقه و فتنه
در عالم بشریت شده است تنها راه نزدیک شدن ملل و اتحاد معنوی کشورها شناختن
کنور و آشنائی با حقایق تاریخی و ادبیات آنان است .

ادبیات زبان ملتهاست و ملتها باید زبان دل یکدیگر را بدانند تا یکدل و
یکجهت بدردهای دل هم برسند این همدلی بین هر ملت و بهر زبان باشد یکدلی است
بقول مولوی پس زبان همدلی خود دیگر است - همدلی از همزبانی بهتر است تمدن و
ادبیات بین ملل وسیله حسن تفاهم و موجب احساس احترام میباشد .

آنجاست که سیاست و ایمانند و حقیقت پیش میرود دانش آنست که برای انسانیت
بکار آید و الا جهل بهتر از آن دانش است ، ادبیات ایران این خاصیت را همیشه داشته
و حفظ کرده است پژوهندگان تاریخ و ادب بمثابه حلقه های زنجیری هستند که سلسله
اتحاد و اتفاق بشریت را استوار میسازند آنجا سخن از رنگ و نژاد و قومیت و مذهب
نیست ادب و عرفان و تاریخ و علم در جستجوی حقیقت است و بس، این حقیقت هر جا
و بهر اسم باشد مورد احترام و ستایش عالم انسانیتست .

دانشمندان عالیقدر نمیتوانم شمارا مهمان اصفهان بخوانم زیرا شاهنشاه ما در

پیام افتتاحیه کنگره فرمودند ایران وطن معنوی شماست بنا بر این ای هموطنان معنوی ما خوش آمدید مردم هنرمند اصفهان مقدم شما خدمتگذاران عالم اتسانیت را تبریک میگویند ، کشور عزیز ما از زمانی که دست تاریخ بزحمت بر آستان آن میرسد ناشر این فکر جهانی بوده شعر او عرفای مادر دوران تاریخ تاریخ مشعل تمدن انسان دوستی را برافروختند، فلسفه عرفان ما بود که بجهان درس و داد و اتحاد وهم بستگی و همزیستی داد ، ندای « بنی آدم اعضای یکدیگرند» از سعدی بگوش جهان رسید ، حافظ بود که گفت :

جنگ هفتاد و دو ملت همرا غزبنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
هم او میگوید

بهر رهی که روی میروی بخانه عشق زهردری که در آئی زمعرفت بایست
ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع بحکم آنکه چو شد اهرمن سروش آید
مولوی فرمود :

همچو آن يك نور خورشید سما صد بود نسبت بصحن خانهها
ليك يك باشد همه انوارشان چونکه بر گیری توديوار از میان
يك گهی بودیم همچون آفتاب بیکره بودیم و صافی همچو آب
خود بصورت آمد آن نور سره شد عدد چون سایه های کنگره
کنگره بیرون کنید از منجیق تا رود فرق از میان این فریق
چون گل از خار است و خار از گل چرا هر دو در جنگند اندر ماجرا
اتحاد یار با یاران خوش است پای معنی گیر صورت سرکش است
ابوسعید ابوالخیر میگوید :

در راه یگانگی نه کفر است و نه دین

يك گام زخود برون نه و راه به بین

زیرا بقول صائب :

گفتگوی کفرودین آخریک جا میکشد

خواب يك خواب است اما مختلف تعبیرها

چون آب مردم روشندان از سبکروحي بجم و شیشه و سنگ و سفال یکرنگند
این يك رنگی و بشردوستی است که سنائی درباره آن گفت :

این همه رنگهای بی رنگی خم وحدت همه گند یگرنگ

امروز قسمت مهمی از نیروی دانش بشر صرف آن میشود که بر ماوراء فضا و
اعماق اقیانوسها دست یابند به بینید قرنهای پیش خواجه عبدالله انصاری چه گفته است:

اگر براوج فلک پرواز کنی کر کس باشی و گر زیر دریاها روی خسی باشی
دلی بدست آرتا کسی باشی

بقول سعدی :

تا توانی دلی بدست آور دل شکستن هنر نمی باشد

بمردی که ملک سراسر زمین نیرزد که خونی چکد بر زمین

بجان زنده دلان سعدیا که ملک وجود نیرزد آنکه دلی را زخود بیازاری

این مکتب عظیم بشردوستی و این حداعلی فلسفه انسانی ایران بود که دردنیای
مغرب طی دو قرن گذشته شورها برپا کرد و مستشرقین و ایران شناسان بزرگ شرق و
غرب را مجذوب محبت جهانی شعرا و عرفای ایران ساخت (اسامی کشورها را طبق
حروف تهجی عرض میکنم) این فکر بلند ایرانی بود که :

در آلمان کوله و نیچه را پیرو فلسفه حافظ کرد

در انگلستان فیدز جرال دونیکسن را دلباخته خیام و مولوی ساخت

در آمریکا پوپ پرتو فکر بلند ایرانی را در هنرهای مادید

در ایتالیا الکساندر بوزانی را متوجه تعالیم ایران باستان نمود

۱. دریا کستان اقبال را مجذوب مولانا ساخت

در چکوسلواکی بوردسکی و ریپکا را شیفته فردوسی و نظامی کرد
در روسیه برتلس و فریمان را مجذوب زبان و خط باستانی ایران ساخت
در فرانسه باریه و مینار دودفری مری را بسوی سعدی کشاند
در هند تا گورو دینشاه را پیرو مکتب حافظ نمود

این بزرگان علم و دانش و شیفتهگان عالم بشریت مانند شما دانشمندان عالیقدر
متعلق بیک ملت و یک کشور نبودند آنها همه جزو خانواده انسانیت میباشند و بهمین
مناسبت شاهنشاه مادر پیام نهم شهریور بخدمتگذاران در این راه درود فرستادند .
معذرت میخواهم که در محضر استادان عالیقدر جسارت ورزیدم و مصدع شدم
اجازه میخواهم برای حسن ختام ، عرایض خود را باجملاتی از شاهنشاه خاتمه دهم .
شاهنشاه فرمودند « ما افتخار می کنیم که تمدن و فرهنگ ما از آغاز تمدن
فرهنگی انسانی و دنیائی بوده است مبتکران ما فلاسفه و عرفا و نویسندگان و شعرای
ما همه دید بشری و جهانی داشته اند و از جنبه معنویت و اخلاق بشر دوستی بسراسر جهان
نگریسته اند آنچه مایه اصلی ادبیات و حکمت ایران است محبت و پیوستگی است .»

این بود جملاتی از فرمایشهای خردمندان شاهنشاه ما :

پاینده باد این محبت و پیوستگی

سرشار باد این سرچشمه خروشان جاودانی و حس انسانی

برقرار باد افتخار خدمتگذاران بعالم انسانیت و صلح جهانی

زنده باد ایران جاوید باد شاهنشاه آریا مهر